

تحلیل ساختار بصری الهه باروری و مضامین وابسته به آن در ایران باستان

چکیده

الهه مادر با فرم های متنوعی از ایران باستان به یادگار مانده است. نوع بیان و از سویی دیگر، اشکال نمادین همراه آن در طول تاریخ، آن را در خور تامل و اندیشه نموده است. هدف نوشتار، بررسی صوری و مفهومی پیکره‌های الهه باروری در دوران ایران باستان می‌باشد. بنابراین، سیر تحول ساختار فرم الهه باروری در دوران ایران باستان چیست؟ کدام نمادها در اطراف پیکره‌ها و تندیس‌های الهه باروری شکل گرفته‌اند؟ تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات و داده‌ها از طریق موزه‌ها و کتابخانه و مقالات گردآوری و جامعه آماری به صورت هدفمند و موارد با حداکثر اختلاف انتخاب شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد: فرم الهه مادر در دوران نوسنگی و مس و سنگ، انتزاعی و هندسی بوده و بیش‌ترین تاکید در اندام باروری متمرکز شده است. از دوران مفرغ به سمت طبیعت‌گرایی گرایش پیدا کرد؛ و از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م. به واقع‌گرایی همراه با اغراق و عدم تناسب در فرم بدن رسید و تزییناتی مانند گردن‌بند و النگو و پابند بدان اضافه شد. از دوران آهن به بعد، پیکره‌ها با اندام متناسب‌تر و با اشکال نمادین تلفیق گردیدند. حالت ایستا و خشک پیکره‌های موسوم به الهه مادر، از ۵۰۰ ق.م. به حالتی سیال با حرکت در بدن تغییر پیدا کرد. این مجسمه‌ها در دوران اشکانی، طبیعت‌گرا شد که با جزییات بود و در دوران ساسانی با ترکیبی اسطوره‌ای و نمادین - که تلفیق از چند حیوان متفاوت، مانند سیمرغ، شیر، طاووس و سگ بر بدنه بود- شکل گرفت.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد فهیمه اصغریان بافنده با عنوان «تحلیل ساختار بصری و معنایی الهه باروری و مضامین وابسته به آن در ایران باستان» است.

فهمیه اصغریان بافنده

کارشناسی ارشد نقاشی. موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.
fahimeh4sgharian@gmail.com

علیرضا شیخی

استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران. نویسنده مسئول.

a.sheikhi@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹-۰۶-۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹-۰۸-۰۹

1-DOI: 10.22051/pgr.2020.32844.1078

واژه‌های کلیدی: ایران باستان، الهه باروری، ساختار بصری، معنا و نماد

مقدمه

الهه مادر یا تندیس‌هایی که با این عنوان از ایران باستان به یادگار مانده‌اند، جای بحث و گفتگوی زیادی دارند. این که این پیکره‌ها در چه قالب‌هایی شکل گرفته‌اند و هدف از آن چه بوده، پرسشی است که هنوز پاسخ کاملی بدان داده نشده‌است.

پرستش الهه مادر، از اولین رسوم بشریت بوده و زنان یا ایزدبانوان در نقاط گوناگون و اقوام مختلف مورد توجه، احترام و پرستش قرار می‌گرفتند. اما در هر دوره تاریخی، نگرش و سیر تحولی قابل اندیشه از آثار به جای مانده ایزدبانوان، دیده می‌شود.

هدف، بررسی سیر فرمی، ساختار پیکره‌ها و مفهوم نمادین تصاویر نقش بسته بر الهه باروری ایران باستان است. بنابراین، ساختار فرم الهه باروری در دوران ایران باستان چیست؟ و با چه نمادهایی همراه است؟ ضرورت پژوهش، یافتن تغییر ساختار و نوع برداشت بشر از نظر فرمی و نمادین اولین پیکره‌های الهه مادر در دوران نوسنگی تا دوران ساسانی می‌باشد. این که چه نمادهایی، پیکرک‌ها و تندیس‌های باروری را آراسته، این نمادها با چه معنایی در کنار فرم الهه مادر قرار گرفته است؛ بخشی از پیشینه هویت فرهنگی ایران باستان را روشن نموده است.

پیشینه پژوهش

تا جایی که توسط نگارندگان بررسی شد، موضوع الهه باروری در ایران باستان به‌طور مستقل تحلیل نشده است؛ اما درباره دوران باستان و یا اسطوره‌های آن و یا جنبه‌های اجتماعی و اساطیری زنان در ایران باستان تحقیقاتی انجام شده است. مهرداد بهار (۱۳۹۱)، در کتاب «پژوهشی در اساطیر ایران»، درباره نوع آفرینش بشر، طبیعت و به وجود آمدن ادیان و اسطوره‌ها سخن گفته است. جان هینلز (۱۳۶۸)، در کتاب «شناخت اساطیر ایران»، درباره اساطیر ایران و خدایان مرتبط با آیین‌های دینی، اساطیر زردتشتی، اسطوره و باورهای بشر مطالعه نموده است. آرمان شیشه‌گر (۱۳۹۴)، در کتاب «آرامگاه دو بانوی عیلامی از خاندان شاه شوتور نهونته پسر ایندد دوره عیلام نو»، به اقلیم در دوران باستان پرداخته و مهرها، دست‌بندها و ظروف را دسته‌بندی و نقش حیوانات و گیاهان را در کنار ایزدان و ایزدبانوها بررسی کرده است. ایرج رامتین (۱۳۹۰)، در کتاب «پرتوی ایزدی بانو: جایگاه و مقام زن در ایران باستان»، به زنان ایران باستان و جایگاه اجتماعی و سیاسی آن‌ها اشاره داشته است. سیف‌الله کامبخش فرد (۱۳۸۶)، در کتاب «کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیا معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق‌گرا»، درباره پیکره‌ها و

سنجاق‌های الهه باروری اهتمام داشته است. بهروز افخمی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناختی» به تجزیه و تحلیل نقوشی که آناهیتا در آن شکل گرفته پرداخته‌اند و جنبه اساطیری و فرهنگی آن را بررسی کرده‌اند. رضا ستاری و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله «نقد اسطوره‌های روان‌شناختی جایگاه زن در بانو گشسب نامه» نوع نگاه حماسی به زن را تحلیل کرده‌اند. کمال‌الدین نیکنمایی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله «تحلیل نقش اجتماعی زنان در جوامع سلوکی و اشکانی بر اساس مهرها و اثر مهرها»، نقوش مهرهای دوران اشکانی و سلوکی را بررسی کرده‌اند و پنجاه و سه مهر با نقوش مختلف زنان به صورت الهه و یا در حال انجام کارهای گوناگون و فعالیت‌های اجتماعی و نحوه حضور زنان در ساختارهای اداری، سیاسی و اجتماعی سلوکیان و اشکانیان را واکاوی نموده‌اند. بهمن فیروزمندی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله «روایتی محلی از اسطوره الهه باروری در لرستان» تحلیلی محتوایی بر مبنای عناصر رمزی و اسطوره‌ای به مدد اسطوره‌شناسی تطبیقی و کاوش روایات اساطیری و حماسی ایران داشته‌اند. هلیا بهرامی (۱۳۸۷)، در مقاله «سپندارمد جشن باروری در ایران باستان» به جشنی برای بزرگداشت بانوان اهتمام داشته، که مردان به همسرانشان هدیه می‌دادند.

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. داده‌ها از طریق موزه‌ها، مقالات و کتابخانه‌ها گردآوری شده‌اند. روش نمونه‌گیری هدفمند و از تصاویری بهره گرفته که در راستای هدف مقاله، بیش‌ترین یافته‌ها را در اختیار گذاشته است. تحلیل آثار بر اساس دوران تاریخی در جدول‌هایی تعریف شده که شامل چند بخش است: ۱) از دوران پارینه سنگی تا دوران ساسانی تمام مناطق و تپه‌های باستانی، در بازه زمانی ۵۰۰ ساله مشخص، و ساختار بصری و نمادین آن‌ها مطالعه شد. در گام بعدی، روند تغییرات فرمی پیکره‌ها، نقش برجسته‌ها، ظروف، مهرها از دوران پارینه سنگی تا دوران ساسانی بیان شد (جدول‌های ۱-۱۰). ۲) نموده‌های مفهومی و معنایی الهه مادر در ایران باستان، بیان شد و جشن‌هایی که برای قدردانی و احترام زنان در این دوران برگزار شده، در جدول ۱۱ تنظیم شد. ۳) اسطوره‌ها و نمادهایی که از دل باورها و عقاید انسانی، به‌نوعی، مفهوم و نشانه باروری دارند و یا در کنار الهه‌ها بر اساس سیر تغییر باورها به‌وجود آمده‌اند در جدول‌های ۱۲ و ۱۳ ذکر گردید.

جایگاه زنان در ایران باستان پیش از تاریخ

تندیس‌های فراوان به دست آمده، از حفاری‌های انجام شده در مناطق گوناگون، موید وجود سنت پرستش مادر-خدایان و ایزدبانوان و کهن‌ترین سنت مذهبی در جهان باستانی است. در میان اقوام ایرانی مجسمه‌هایی از سنگ و عاج یافت شده که معمولا فاقد صورت هستند و تنها علائم زنانه به صورت برجسته نشان داده شده است. این پیکرک‌ها مفهوم بارداری، شیردهی و قابلیت‌های نفوذ زنان عهد باستان را نمایان می‌کنند (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۰). چنانچه وضع جوامع پراکنده ایران باستان، در زمینه ادیان و آیین‌های رایج، به‌طور گذرا، مرور گردد؛ کم‌تر به معابد و تندیس‌های گرد و سه بُعدی خدایان الهه‌ها برخورد می‌شود؛ به استثنای نمادها و پیکره‌های گلی، در ترکیب حیوانات و الهه‌های زیبایی و باروری که شکل‌پذیری این تفنن‌ها، حاصل اندیشه‌های باطنی زنان روستایی در اجاق خانه‌ها، از نخستین ادوار نوسنگی ایران به بعد بوده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۶۶).

پیش از کشف شدن علت فیزیولوژیک آبستنی زنان، بشر، بر این باور بود که این امر از طریق نیروهای غیر طبیعی و جادویی یا تماس زن با چیزی خارج از کیهان انجام می‌شود. برای همین زن را بسیار نیرومند، زاینده و پرورش‌دهنده موجودات دیگر می‌پنداشتند. بشر نیروی زایش در زن را مانند زمین نیز مقایسه می‌کرد. برای انسان باستان، باروری خود به خود تولد نوزاد و شیردادن به او، در منزله اعجاز و ظهور پدیده‌ای خارق‌العاده تلقی می‌شد. تمام نمادهای دینی بر محوریت زن می‌چرخید. مادر، اسطوره‌ای خداگونه و رب‌النوع تولید برکت و تداوم بود (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۲). روزگار مادرسالاری، بیانگر برتری زن در امورهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی است؛ زیرا زن محافظ خویشاوندی، پرورش فرزند و ناظر بر اموال و میراث خانواده و در آن دوران به کشاورزی و دامپروری تسلط داشته است (رامتین، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۳). تمام این عوامل باعث احترام و پرستش الهه مادر(زن) در دوران ایران باستان شده و الهه‌ها را بر مبنای وظایف و کارهایی که زنان در این دوران انجام می‌دادند نام‌گذاری و مورد پرستش قرار داده‌اند (همان: ۱۳-۱۵). نظیر پرستش و ستایش آناهیتا که در روزگار هخامنشی و اشکانی هم‌چنان ادامه یافت و همواره، در نزد ایرانیان، ایزد بانوی تطهیر آب‌های پاکیزه و زایش پاک بود.

اگرچه در دوران هخامنشی نقش زنان تغییر کرد، ولی نقش ایشان در ازدواج‌ها که جنبه سیاسی داشت، بارز بود. در دوران اشکانی و در میان طبقه

اشرافزاده هم‌چون خاندان سلطنتی، چند همسری مرسوم، ولی فقط یک زن محافظ کانون خانواده بوده است. در طبقات پایین جامعه رسم چند همسری وجود نداشت و زنان هم‌چنان از اقتدار برخوردار بودند (همان: ۲۱). زنان در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته، نقش‌آفرینی برخی از زنان در دوره اشکانی به حدی پررنگ می‌شود که ملکه کوزا در زمان حکومت فرهاد پنجم در امور مملکتی، اعمال نظر کرده و حتی نقش وی بر سکه‌های شاه حک شده است (نیکنمی، قاسمی و رضائی، ۱۳۹۳: ۳۷۸). در دوران ساسانی، زنان در جامعه و خانواده، پایگاه‌های مختلف داشتند و حقوق آنان در این دوره قابل توجه بود. زن حق مالکیت داشت و می‌توانست قیم فرزند خود باشد و از «بد رفتاری شوهر» به «دادگاه» شکایت برد. در کتاب «مادیان هزار داستان» حقوق اجتماعی زن را در دوره ساسانی به وضوح شرح داده است (رامتین، ۱۳۹۰: ۲۳). تصاویر ملکه‌ها و بانوان درباری در نقوش برجسته طاق بستان و نقش رستم و نقش رجب و برم دلک و سر مشهد دیده می‌شود. در نقش رستم در کنار نقش بهرام دوم و درباریان، در سمت راست، بانوان درباری نقش شده و در نقش رجب نیز در سمت چپ، مراسم تاجگذاری اردشیر بنیان‌گذار شاهنشاهی ساسانی، نقش زنان حجاری شده است (سامی، ۱۳۹۳: ۸۷).


الهه مادر در تپه‌های باستانی ایران

بشر در رهگذر حیات خود بر روی زمین در طول هزاران سال، آثار و بقایایی بر جای نهاده است. این آثار در بعد زمانی و موقعیت مکانی، نمایش‌گر و بازتاب وضعیت و کیفیت زندگانی او، در مرحله خاص و منطقه‌ای معین است. گاهی در یک اجتماع و منطقه، سیر تکامل پیموده و برعکس در دورانی دیگر، سیر کم‌رشدی داشته است. حاصل جمع این نوسان‌ها و دگرگونی‌ها بر اساس شکل‌یافتن تمدن‌ها تغییر کرده است که به‌طور کلی، در رهگذر پیشرفت جوامع بشری با گذشت زمان تکامل یافته، آثار و شواهد ملموسی دال بر این نظریه بر جای گذارده‌اند (نگهبان، ۱۳۸۵: ۱۴). در این نوشتار، پیکره‌های الهه مادر یافت‌شده در تپه سراب کرمانشاه متعلق به دوران نوسنگی، تپه‌های شوش، حصارسه‌b و c دوران مس و سنگ (۴۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م)، دوران مفرغ (۳۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م) شامل تپه‌های موشه‌لان اسماعیل‌آباد، مارلیک، معبد کنگاور، معبد اینشوشیناک شوش، گنجینه نه‌اوند، شهداد و تپه یحیی کرمان، چغازنبیل، دوران آهن (۱۵۰۰ تا ۸۰۰ ق.م) تپه چغامیش

خوزستان، شاه تپه، چغازنبیل و لرستان (۱۰۰۰ ق.م. تا ماد) مارلیک، املش گیلان، حاجی آباد فارس، شوش، قبور مگانیک لرستان، در دوران ماد تپه نوشیجان، آپادانای سلوکی و اشکانی و محوطه های شوش و حاجی آباد، طاق بستان، کلاردشت و چال ترخان ری مد نظر است.

در هر دوره ای فرم الهه مادر و نمادهای همراه آن بر اساس حکومت، تغییراتی کرد. گاه، به تندیس های بزرگ و گاه، به پیکرک های کوچک تبدیل شد. در این راستا فرم الهه مادر مورد تحلیل ساختاری بصری قرار گرفته است.

جدول ۱. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر در دوران نوسنگی: ۶۰۰۰ ق.م. (نگارندگان).

	تصویر
(کارگر، ۱۳۸۰: ۱۱)	ماخذ

این پیکره که از دوران نوسنگی در فلات ایران بدست آمده، نماد باروری است. ساختار فرمی آن انتزاعی و اندام بدن با فرم های هندسی ساده شده است.





















جدول ۲. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر در دوران مس و سنگ: ۴۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م. (نگارندگان).

			تصویر
(همان: ۲۶۶)	(همان: ۲۶۵)	(اشمیت، ۱۳۹۱: ۳۵۵)	ماخذ

در دوران مس و سنگ فرمها، انتزاعی و هندسی بوده و اندام پیکره ها از فرم های ساده هندسی تشکیل شده است، مانند دستها که فقط فرم مخروطی شکل دارند.

جدول ۳. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر در دوران مفرغ ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق.م. (نگارندگان).

								تصویر
(همان: ۷۳)	(همان)	(همان: ۷۵)	(همان)	(همان: ۷۶)	(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۷۴)	فیروزنیا، (۱۳۷۱: ۵۱)	(کامبخش فرد، ۱۳۹۲: ۷۶)	ماخذ
								تصویر
(صراف، ۱۳۷۲: ۱۵۵)	(همان: ۱۷۴)	(همان)	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۷۳)	(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۵۰)	(همان)	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۵۲)	(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۴۴)	ماخذ

					تصویر
(همان: ۹۲)	(طلایی، ۱۳۹۲: ۹۵)	(همان)	(همان)	(کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۳۶)	ماخذ
					تصویر
(مصباح، هژبری نوبری و طاووسی، ۱۳۹۲: ۷۷-۹۲)	(همان)	(همان)	(همان)	(طلایی، ۱۳۹۲: ۹۲)	ماخذ
					تصویر
(همان)	(همان)	(همان)	(همان)	(ساریاتیدی، ۱۳۹۶: ۳۷)	ماخذ
					تصویر
(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۰)	(همان)	(همان)	(همان)	(ساریاتیدی، ۱۳۹۶: ۳۷)	ماخذ

در دوران مفرغ، فرم‌ها از انتزاعی کمی به سمت طبیعت‌گرایی روی می‌آورند. البته، در اشکالی که نزدیک به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد است، فرم‌ها انتزاعی و ساده هستند و اغراق در فرم‌ها دیده می‌شود؛ مانند بالانته‌های خیلی کوتاه و یا گردن‌های بلند و پایین تنه‌های پهن و کوتاه. اما هر چه به ۲۵۰۰ قبل از میلاد نزدیک می‌شوند، پیکره و تندیس‌های الهه مادر طبیعت‌گراتر شده‌اند و اجزای پیکره با جزئیات بیشتر نمایان گردیده است. این گرایش به طبیعت‌گرایی در فرم پارچه و چین لباس پیکره‌ها و تندیس‌ها دیده می‌شود.

جدول ۴. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر ۲۵۰۰-۲۰۰۰ ق.م. (نگارندگان).

					تصویر
(همان: ۱۲۸)	(همان)	(همان: ۱۲۷)	(همان: ۱۲۳)	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۱۲)	ماخذ
					تصویر
(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۱۴)	(همان)	(همان: ۵۸)	(همان: ۵۹)	(گیرشمن، ۱۳۸۹: ۵۸)	ماخذ

از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل میلاد پیکره‌های ساخته‌شده رو به طبیعت‌گرایی آورده‌اند. ولی تناسب پیکره‌ها با اغراق بوده و آناتومی بدن درست اجرا نشده است. فرم تزئینی در لباس و فرم نمادین در اطراف پیکره، دیده شده است، جزئیات صورت در پیکره بیشتر رعایت گردید. اضافه‌شدن تزئیناتی مانند گردن‌بند و الگو و پابند در پیکره از ویژگی‌های این دوران است.

جدول ۵. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر دوران آهن: ۱۵۰۰-۸۰۰ ق.م. (نگارندگان).

					تصویر
(همان: ۱۳۹)	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۴۰)	(رامتین، ۱۳۹۰: ۲۹)	(وندن برگ، ۱۳۷۹: ۸)	(کامبخش فرد، ۱۳۹۲: ۵۳)	ماخذ
					تصویر
(همان: ۳۰۶)	(همان: ۳۰۵)	(شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۳۰۲)	(قنبری، ۱۳۹۳: ۱۱۱)	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۳۹)	ماخذ
					تصویر
(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۱)	(همان: ۳۱۲)	(همان: ۳۱۲)	(همان: ۳۰۹)	(شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۳۰۷)	ماخذ

از دوران آهن به بعد، پیکره‌ها با اندام متناسب‌تر ساخته شدند و تزیینات به لباس اضافه شد؛ تزییناتی مانند گردن‌بند و النگو و پابند. پیکره انسان با اشکال نمادین یعنی نیم‌انسان و نیم‌ماهی و یا مار ساخته و پرداخته شد.

جدول ۶. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر ۱۰۰۰-۵۰۰ ق.م. (نگارندگان).

				تصویر
(وارنر، ۱۳۹۲: ۲۷۸)	(همان: ۲۷۳)	(همان: ۲۷۸)	(کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۲۷۳)	ماخذ
				تصویر
(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۰)		(معصومی، ۱۳۵۳: ۶۸)	(نگهبان، ۱۳۷۸: ۳۵۵)	ماخذ



در فاصله زمانی ۱۰۰۰-۵۰۰ قبل میلاد پیکره الهه مادر با اغراق و ساده‌کردن فرم‌ها نمود یافت و اشکال نمادین مانند گل انار، سرخ آذین در اطراف مهرها وجود دارند.

جدول ۷. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر ۵۰۰ ق.م. (نگارندگان).

تصویر	ماخذ
	(همان: ۱۷۷)
	(همان)
	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۴۸)
	(همان)
	(گیرشمن، ۱۳۷۶: ۱۰۲)
	(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۶۸)
تصویر	ماخذ
	(همان: ۹۹)
	(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۱)
	(گیرشمن، ۱۳۷۶: ۱۳۹)
	(قنبری، ۱۳۹۳: ۶۸)
	(نگهبان، ۱۳۷۸: ۳۴۴)
	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۷۶)
تصویر	ماخذ
	(همان: ۹۹)
	(کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۱۰۱)
	(گیرشمن، ۱۳۷۶: ۱۳۹)
	(قنبری، ۱۳۹۳: ۶۸)
	(نگهبان، ۱۳۷۸: ۳۴۴)
	(مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۷۶)

از ۵۰۰ سال قبل از میلاد، پیکره‌ها با تناسب درست و نوع ایستایی آن‌ها از حالت خشک به فرمی با القای حرکت در بدن تغییر کرده؛ یعنی پاهای عقب و جلو دارند و از حالت رسمی دور شده‌اند. چهره، طبیعی‌تر و فرم بدن با جزییات بیش‌تر، اجرا و چین لباس نمایان‌تر از قبل شده‌است.

جدول ۸. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر، دوران ماد (نگارندگان).

تصویر	ماخذ
	(وندن برگ، ۱۳۷۹: ۱۷۱)
	(ملازاده، ۱۳۹۴: ۱۷۰)

در این دو تصویر - که از دوران ماد به دست آمده - به خاطر نوع کاربری و اعتقادات، فرم‌ها انتزاعی است..
جدول ۹. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر دوران اشکانی ۵۵۰ ق.م. (نگارندگان).

تصویر	ماخذ
	(همان)
	(وندن برگ، ۱۳۷۹: ۱۰۱)
	(بهنام، ۱۳۴۲: ۲-۵)
	(هینلز، ۱۳۶۸: ۳۹)

در دوران اشکانی، تندیس کاملاً طبیعت‌گرا ساخته شده، که با تمام جزئیات صورت و فرم‌ها حتی تفاوت جنسیت را نیز نشان داده است. فرم پارچه و تزئین، گردن‌بند و الگو و پابند در این پیکره‌ها، پرداخته و عضلات بدن به صورت طبیعت‌گرا با تناسب درست و آناتومی دقیق‌تر ساخته شده‌است.

جدول ۱۰. نمود ساختار فرمی پیکره الهه مادر دوران ساسانی، ۶۲۲ ق.م. (نگارندگان).

						تصویر
(رامتین، ۱۳۹۰: ۱۹)	(URL1)	(موسوی، ۱۳۹۶: ۲۴۶)	(همان: ۱۷۲)	(کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۱۷۱)	ماخذ	
لازم به یادآوری است همگان این نقش را ایزدبانو ندانسته و شاید زن رقصنده باشد.						
					تصویر	
						
(کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۱)	(گیرشمن، ۱۳۷۶: ۲۱۹)	(همان)	(افخمی، فرج‌زاده و حسینی‌نیا، ۱۳۹۵: ۲۲۵-۲۴۸)	(کارگر، ۱۳۸۰: ۱۰۱)	ماخذ	
هم کناری او با درخت همه تخمه و ریواس با آب‌های نخستین و پراکندن بذر توسط سین مرو در متون باستانی، حکایت از باروری و برکت داشته و بعدها در جوار الهه باروری آمده است.						

در دوران ساسانی، پیکره‌ها از حالت ایستایی، کاملاً در آمده و در بدنشان، حس حرکت القا شده‌است. در اطراف پیکره‌ها، تزئینات نمادین بیش‌تری وجود دارد؛ در ظروف و مهرهای به‌دست آمده، جزئیات بیش‌تری ساخته و پرداخته شده است و حیوانات اسطوره‌ای و تلفیق چند حیوان مانند سیمرغ و شیر و طاووس و سگ نمایان است. پژوهشگران، الهه‌ها را بر مبنای وظایف و کارهایی که زنان در دوران ایران باستان انجام می‌دادند نام‌گذاری کردند و معتقدند مورد پرستش قرار می‌گرفتند.

جدول ۱۱. نموده‌های مفهومی الهه مادر در ایران باستان (نگارندگان).

مردمان که به ده گونه‌اند، از نژاد کیومرث هستند؛ کیومرث هنگام درگذشت، بر دست چپ افتاد و تخمه بداد. آن تخمه به روشنی خورشید پالوده شد. پس سپندارمذ، فرشته موکل زمین، بخشی از تخمه کیومرث را به خود پذیرفت و مشی مشیانه، چون ریوارسی از آن بر زمین رستند، آن دو به یکدیگر پیوسته بودند و روان در میان آن دو بود. چون به پیکر مردم در آمدند، هرمزد آنان را آگاه کرد که پدر و مادر جهانیان‌اند و دین نیکو باشند(بهار، ۱۳۹۱: ۱۷۳).	مشیانه	نام الهه‌ها
در هزاره سوم پیش از میلاد(پنج هزار سال قبل) در معبد خدایان یا «زیگورات چغازنبیل»، در نزدیک شوش، ایزد بانوی مادر پرستیده می‌شد(رامتین، ۱۳۹۰: ۱۵).	نینورساگ	
در قرن ۲۳ پیش از میلاد در راس جهان خدایان، او خدای آسمان‌ها و بانوی بانوان خوانده می‌شد(همان: ۱۶).	پیتکر	

ایزد بانو آناهیتا با الهه ایشتر - که الهه عشق و باروری بابلی است - وظایف مشترکی داشته است. اما تفاوت‌های معنادار و بنیادین بین این دو وجود دارد، ایشتر الهه دوستدار مروج فحشاست و سرپرست روسپیان در معابد ایشتر به‌شمار می‌آمد در حالی که آناهیتا دوستدار خانواده و پای‌بند به عشق درون خانوادگی است (افخمی، فرج‌زاده و حسینی‌نیا، ۱۳۹۵: ۲۴۴).	الهه بابلی ایشتر
طبیعی است که در بسیاری از دین‌ها سرچشمه زندگی و باروری را به صورت وجودی مادینه تصور کنند. در ایران ایزدبانو اردوی سورا آناهیتا، یعنی آب‌های نیرومند بی‌آلایش، سرچشمه همه آب‌های روی زمین است. او منبع همه باروری‌هاست، نطفه همه نران را پاک می‌گرداند، رحم همه مادگان را تظہیر می‌کند و شیر را در پستان مادران پاک می‌سازد. در حالی که در جایگاه آسمانی خود قرار دارد، سرچشمه دریای کیهانی است. او نیرومند و درخشان، بلند بالا و زیبا، پاک و آزاده توصیف شده است (هینلز، ۱۳۶۸: ۳۸).	آناهیتا (ناهید)
به‌عنوان مادر خدایان در راس مجمع خدایان ایلام قرار دارد (بهزادی، ۱۳۸۹: ۲۴).	پینی کر
مادر و الهه بود و پادشاهان و شاهزادگان ایلامی پرستشگاه‌هایی وقف آنان می‌کردند (همان).	کری ریشا
ایزد بانوی چشمه‌ها و آبراه‌ها، دختر انا/انکی، هر ساله زورق مقدسی را می‌راند. نشانه ویژه او گلدانی بود که یک ماهی در آن شناور بوده است (شیشه گر، ۱۳۹۴: ۲۹۷).	ایزد بانو ناشه
نطفه زردتشت در دریای کیانسه نگهداری می‌شود و در پایان هزاره زردتشت، دختری به نام نامی بد در آب دریا آب تنی خواهد کرد و از نطفه زردتشت بارور خواهد شد و اوشیدر به دنیا خواهد آمد. در پایان هزاره اوشیدر، دختری دیگر به نام وه بد هم‌چنان به آب خواهد رفت و از او اوشیدر ماه زاده خواهد شد و در پایان هزاره اوشیدر ماه دختری به نام اردد بد به همان گونه سوشیانس را خواهد زاد (بهار، ۱۳۹۱: ۲۰۱).	نامی بد
انتساب سوزن نگاری به بانوگشسب و برخوردار توامان او از هنرهای زنانه و دلآوری‌های مردانه، داستان بانوگشسب را به اسطوره‌های کهنی پیوند می‌دهد که در آن ایزدبانوان اساطیری، همانند زنان عهد مادر سالاری، در هنر بافندگی چیره‌دست دانسته می‌شده‌اند (ستاری، حسن‌پور الاشتی و حقیقی، ۱۳۹۴: ۴۰).	بانوگشسب

در آن دوران، زنان شخصیتی داشتند که حتی در میان ادیان الهی جایی باز کرده و او را بزرگ و ستودنی قلمداد کرده‌اند. در آیین زرتشت یک روز سال را به عنوان روز زن نام‌گذاری کرده بودند.

جدول ۱۲. جشن‌های مرتبط با ایزدبانوها (نگارندگان).

روز سیزدهم فروردین ماه (تیر روز از فروردین ماه) که نخستین روزهای سال نو است و روز آغاز کشاورزی را جشن می‌گیرند (بیگونند، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۵). طبق آیین ایران باستان این روز دختران سرزمین سبزه‌ها را به نیت بخت‌گشایی گره می‌زنند.	۱۳ فروردین - سیزده بدر	جشن‌های باستان
... خرداد سرور سال‌ها و ماه‌ها و روزهاست [یعنی] که او سرور همه است. او را به گیتی، آب خویش است. چنین گوید: هستی، زایشی و پرورش همه موجودات مادی جهان از آب است و زمین را نیز آبادانی از اوست... (همان: ۹۲).	امشاسپند خرداد در متون کهن	
ماه فصل زمستان به نام اسفند یا اسپندارمذ نیز از همین ویژگی باروری و زاینده‌گی زمین سرچشمه گرفته است. چرا که در همین ماه نخستین جوانه‌ها از خاک سر بر می‌زنند و زایش دوباره زمین را نوید می‌دهد. از همین رو مردمان ایرانی این ماه و به ویژه روز پنجم آن که با نام ماه همانند است (یعنی اسفندروز از اسفند ماه یا اسپندارمذرو از اسپندارمذماه) را روز گرمی‌داشت بانوان می‌دانسته‌اند؛ و در این روز، مردان آیین‌هایی برای همسران خود برگزار می‌کردند و هدیه‌هایی به او می‌داده‌اند. (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۶)	۵ اسفند - جشن اسفندگان، اسپندگان، سپندارمذگان، سپندارمذ	
و خشنکام، فرشته نگاهبان آمودریا، جشنی در روز دهم اسفند در گرمی‌داشت رود آمودریا/ جیحون و فرشته نگاهبان آن، این نام به بزرگ‌ترین شاخه آمودریا که رود «وخش» است، شباهت دارد. ابوریحان بیرونی و خشنکام را «فرشته جیحون» می‌داند و احتمالاً با ناهید تطبیق دارد (بیگونند، ۱۳۹۲: ۱۶۵).	۱۰ اسفند - جشن و خشنکام، جشن ناهید	

عناصر همراه کننده الهه مادر و ایزدبانوان

در ایران باستان، برای مردمان این سرزمین در کنار الهه‌های باروری و ایزدبانوان حیوانات، گیاهان، عناصر تزئینی و موجودات اسطوره‌ای - که به ذات خودشان، یا در شکل گیری باروری و رشد باروری نقش داشتند- نیز مورد احترام بودند و از نقوش آن‌ها در کنار الهه‌ها یا ایزدبانوان باروری و یا به نماد از باروری در پیکرک‌ها، نقش برجسته، مهرها، و ظروف به کار رفته‌اند. می‌توان این فرض را نیز مطرح نمود، از آنجایی که، این عناصر از نظر اساطیری و یا نمادین، حضور برکت و حاصل‌خیزی را مراد بوده، به تاسی از ایزد بانوها، نقش همراه و شاید به نوعی کمک و یاری‌گر در این عرصه بر عهده داشته و برکت و حاصل‌خیزی را از الهه‌ها، عطیه گرفته و آن را بر مردمان ایران زمین ارزانی داشته‌اند. در واقع، می‌توان گفت، اعتقاد به برخی موجودات و گیاهان، ناشی از باورهای متافیزیکی در مذاهب بدوی بوده و ناشی از وابستگی زندگی انسان به ایشان است و نوعی توتمیسم را به دنبال داشته است. به نوعی الهه‌ها و اسطوره‌ها، تفسیر انسان‌های پیشین این سرزمین از جهان و طبیعت است و به لحاظ معنایی پوشاننده هم و باوری در راستای زندگی است.

جدول ۱۳. عناصر همراه کننده الهه مادر در ایران باستان (نگارندگان).

عناصر حیوانی	سین مرو (سیمرغ)	پرنده‌ای افسانه‌ای به نام سشین(سیمرغ) است، یک باز بزرگ که اهمیتی ویژه دارد. او بر فراز درخت همه تخمه لانه دارد؛ و با بر هم زدن بال‌های خود بذرها را می‌پراکند. سپس، این بذرها به وسیله باران و باد، در سراسر زمین توزیع می‌شوند. بر اساس افسانه‌های بعدی وی به جوجوهایش شیر می‌دهد، و هر چند یک‌سان بودن او با سیمرغ بعدی قطعی نیست؛ اما جالب است که در شاهنامه فردوسی با یک پرنده افسانه‌ای مشابه مواجه می‌شویم که قدرت‌های ماورالطبیعی دارد، و در داستان زال و پسرش نقش ایفا می‌کند(کرتیس، ۱۳۸۱: ۲۳). این درخت در مرکز آب‌ها بوده که الهه آن‌هایتا نماد پاکی و روشنی و حکمرای آب‌هاست. اعتقاد بر این بوده که سیمرغ آب و زمین را تمیز می‌کند و باعث باروری می‌گردد.
پرنده چمروش		به‌جز سیمرغ، سایر پرندگانی که در اوستا از آن‌ها نام برده شده یکی کرشپتر، اشوزشت یا جغد و دیگر پرنده‌ای به نام چمروش وظیفه میهن‌پرستانه او برچیدن غیر ایرانیان است و به پراکندن بذرها درخت همه‌تخمه کمک می‌کند(همان: ۲۳-۲۴).
شیر		شیر مرکب ایشتار خدای بانوی عشق و باروری اکدی و نشان‌گر جنگاوری او بود(قبری، ۱۳۹۳: ۱۰۲). نشانه قدرت آسمانی(اسلام دوست، شیخی نارانی و قبری باباعباسی، ۱۳۹۸: ۱۳).
بز کوهی		در مرکز شاخ‌های مدور جانور، سنبله گندم در دایره شطرنجی شده که نماینده و نماد زراعت می‌باشد(کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۸۱). شاخ‌های بز کوهی با نزول باران مرتبط است. بز کوهی نشان از آب و گیاه دارد و در آثار هنری، آن‌هایتا در قالب بزکوهی مجسم شده است(خسروی، ۱۳۹۴: ۷۰).
شاخ گاوسانان		شاخ گاوسانان که مشخصه خدایان باروری است، نشانه زن ایزد مهین‌مادر است و شمایل و بت‌های گاوسانان، همواره، نشانه حضور الهه بزرگ باروری است(شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۳۱۴-۳۱۵).
گاو		در بسیاری از ادیان باستانی، گاو ماده به‌عنوان نماد باروری شناخته شده و البته، پس از گاو نر در درجه دوم پرستیده می‌شد، زیرا که همواره، در خاور نزدیک نزدیکی بر مادگی برتری داشته است. در اساطیر میان‌رودانی، نین هورسک/هورسکه یا نین تو مادر -الهه سومری، در سراسر این سرزمین و تا سقوط دولت آشور در ۶۱۲ ق.م، به صورت گاو ماده نشان داده شده که گوساله خود را شیر می‌دهد؛ که در این حالت، گاه، نماد اینانا/ایننه سومری یا ایشتار/عشتر اکدی ایزد بانوی عشق و جنگ است. کمرون، کی ری ریشه و پی نی کیر را هم‌تراز عیلامی این ایزد احتمال داده است. مهم‌ترین ویژگی نین هورسک/هورسکه باروری است. گاو نر نماد اصل جنس نرینه در طبیعت، یعنی قدرت و نیروی تولید مثل، ورزای قدرتمند و بزرگوار، خداوندگار حیات و سرکرده قدرتمند ایزدان است و نماد باروری گله‌ها و حاصل‌خیزی زمین نیز هست و بر گاو ماده از نظر قدرت باروری برتری دارد(شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۳۱۵). گاو در هنر ایرانی پاینده و نگهدارنده بوده و از طرفی با ماه، حاصل‌خیزی و باروری نیز مرتبط بوده است(خسروی، ۱۳۹۴: ۶۹).
کبوتر		روی کوزه سیمین بانوی آن‌هایتا کبوتری با نماد مهر نقش شده است(دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۱۲۰).
طاووس		روی کوزه سیمین بانوی آن‌هایتا، طاووسی در زیر پای الهه نقش شده است(همان). نقش طاووس همراه با خورشید یا درخت زندگی، در هنر و تمدن ایران باستان اغلب با مفاهیم مذهبی همراه بوده و در آیین زرتشت به عنوان مرغی مقدس مطرح بوده است(افضل‌طوسی و جلالیان فرد، ۱۳۹۷: ۳۶).
عقاب		آنانا عقابی را زخمی در گودالی پیدا کرده آن را درمان می‌کند، پرنده جهت سپاس‌گزاری، آنانا و همسر نازایش را به آسمان برده، تا به گیاه معجزه‌گر دست یابد و باعث درمان همسر آنانا می‌شود(کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۳۶).
ماهی		نشانه و مظهر باروری(مصباح، هژبری‌نوبری و طاووسی، ۱۳۹۲: ۷۷).
مار		مارها در کنار یادبود اوتاش - ناپیرشا و از زمان اوتاشگال به‌دست آمده است(قبری، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

عناصر گیاهی	درخت سشین	درمان همه دردها، یا درخت همه تخمه توصیف شده است (کرتیس، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۹).
	روزت	این گل هم زمان است و هم ابدیت، هم زندگی و هم مرگ و هم باروری و هم بکارت است (شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۲۹۲).
	برگ نخل	در الهه - ماهی پیشانی‌بند راه راه به پیشانی دارد که یک زیور به شکل برگ نخل مثلثی واژگون در وسط آن نصب شده است (شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۳۶۹).
	خوشه انگور	روی کوزه سیمین بانوی آناهیتا خوشه انگور در اطراف الهه با نماد مهر نقش شده است (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۱۳۰).
	برگ و گل انار	نشانه و مظهر باروری (کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۹۱).
	سنبله گندم	نماینده و نماد زراعت (همان: ۸۱). ازدواج مقدس میان الهه مادر و خدای غلات به نام تموز به عنوان پیوند میان درخت مقدس نخل و دانه مقدس گندم توصیف می‌شد (هال، ۱۳۸۰: ۳۰). نیز نماد الهه دمتر در یونان است.
	نیلوفر شرقی	نیلوفر از گونه‌های سوسن، جنبه تقدس آن در آغاز از محیط آبی آن ناشی می‌شود؛ زیرا آب نماد اقیانوس کهنی بود که کیهان از آن زاده شد. نیلوفر که در سطح آن شناور بود به مثابه زهدان آن به شمار می‌رفت (خسروی، ۱۳۹۴: ۷۱). گلی با گلبرگ نوک تیز که در هنر مصر و ایران از پهلوی مجسم شده و خصوصیات گل سرخ روزت را دارد (شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۶۶). الهه آناهیتا در حالی که زیر طاقی از گل‌های ۱۲ پر ایستاده، با کوزه آب خود در حال سیراب کردن بچه شیر تشنه است (رامتین، ۱۳۹۰: ۱۹).
عناصر طبیعی	آب	آناهیتا، مادر آب شناخته شده است (افخمی، فرج‌زاده و حسینی‌نیا، ۱۳۹۵: ۲۲۸).
	ماه	تصویر ماه نو است و شاخ گاوسانان، رمز ماه، زیرا یادآور هلال ماه است و مسلم است که شاخ‌های مضاعف، باید نمودگار دو هلال یعنی ماه کامل باشند نشانه حضور الهه بزرگ باروری است (افضل‌طوسی، ۱۳۹۱: ۵۸).
عناصر تزئینی	سنجاق	سنجاق با ایزد بانوی باروری عشق، حاصل‌خیزی همراه است (شیشه‌گر، ۱۳۹۴: ۱۷۱).
	گل سینه	در داستان سفر ایزد بانوی باروری، عشق و حاصل‌خیزی همراه دارد.
	میخی طلسم پازور	بر اساس متون، میخی طلسم پازور برای از بین‌بردن بدی‌ها است و محافظ زنان باردار، که به صورت گردنبندی ساخته و آویزان می‌کردند (ملازاده، ۱۳۹۴: ۱۷۰).
گیاه	امشاسپند	ایزد مونثی که با توجه به گیاهان روئیده از بدنش، ایزد نباتات است (مصباح، هژبری‌نوبیری و طاووسی، ۱۳۹۲: ۸۹).
	انسان - گیاه	شاخه‌های گیاه (احتمالاً ساقه جو با گندم) از اطراف بدن این زن و حتی روی سر او روئیده‌اند. در هر دو مهر، زن-نبات در کنار یک الهه مونث «شاخ‌دار» با بال یا بدون بال تصویر شده است (همان: ۸۸).
الهه با ترکیب حیوان	کوبابا و کارهوماس	کوبابا، ملکه کار کمیش ^۱ به الهه مرکزی و اساسی آناتولی در هزاره اول قبل از میلاد تبدیل شد، آینه و انار در دست و ردای کمردار بلند، بر تن دارد. همین طور اغلب، وی همراه با یک شیر بازنمایی یا این‌که شیر به عنوان نماد و نشان او ظاهر شده است (احمدی علیایی و اعظم زاده، ۱۳۹۵: ۸).
	پوزور این شوشیناک	شاهکار این دوره یک مجسمه بزرگ الهه ناروندی است به حالت نشسته و شباهت زیادی به مجسمه اینانا سومری دارد که بر شیر ها نشسته و در دستانش یک جام و یک شاخه نخل دیده می‌شود (قنبری، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

نتیجه‌گیری

عوامل باعث احترام و پرستش زن و به وجود آمدن الهه مادر شده است. در دوران پیش از تاریخ، امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، حفظ و نگه‌داری قبیله به عهده زنان بوده و آن را دوران مادر سالاری نامیده‌اند. اما در دوران تاریخی امور قبیله از نظر سیاسی و اقتصادی اول به عهده مردان بوده و زنان در کنار مردان، این امور را انجام می‌دادند و مقام زن تنزل یافته است. در پاسخ به پرسش اول می‌توان بیان کرد، فرم

از تندیس و پیکرهای کوچک و بزرگ در کاوش‌های باستانی، این باور که پرستش مادر از کهن‌ترین سنت مذهبی در میان اقوام بوده، تقویت شده است. از مهم‌ترین کارهای زنان، آبستنی و شیردهی، حفظ و نگه‌داری آتش، ذخیره آب، آشنایی و کشف امور کشاورزی و دامپروری برای تهیه و شناخت غذا و دارو و اهلی کردن حیوانات بوده است؛ که می‌توان او را اولین پزشک، مخترع و صنعت‌کار دانست. این

پی‌نوشت:

Carchemish.

ساختاری پیکره‌های الهه مادر از دوران نوسنگی تا دوران ساسانی، سیر تحویل قابل تاملی داشته است. در دوران نوسنگی، اولین پیکره الهه مادر (نماد باروری) به دست آمده به ۶۰۰۰ سال ق.م. بر می‌گردد که ساختار فرمی آن، انتزاعی و اندام بدن، فرم‌های هندسی ساده دارند. در دوران مس و سنگ، فرم‌ها انتزاعی و هندسی است. در دوران مفرغ، فرم از انتزاعی کمی به سمت طبیعت‌گرایی روی آورده و اغراق در فرم‌ها، دیده شده است. اما هر چه به ۲۵۰۰ قبل از میلاد نزدیک گردیده، پیکره تندیس‌های الهه مادر، طبیعت‌گراتر و اجزای پیکره با جزئیات بیش‌تری نمایان است. از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م. پیکره‌ها به واقع‌گرایی تمایل داشته‌اند؛ ولی تناسب پیکره‌ها با اغراق بیان گردیده و آناتومی بدن، درست اجرا نشده است. تزییناتی مانند گردن‌بند و النگو و پابند در پیکره‌ها، در این دوران اضافه شده است. از دوران آهن به بعد، پیکره‌ها با اندام‌های متناسب‌تر ساخته شده و پیکره‌های انسان با اشکال نمادین نظیر نیم‌انسان و نیم‌ماهی و یا مار تلفیق گردید. از ۱۰۰۰ تا ۵۰۰ ق.م. اشکال نمادین مانند گل انار، سرخ آذین در اطراف مهرها نمایان شدند. از ۵۰۰ ق.م. تناسب‌ها، درست و نوع ایستایی آن‌ها، از فرم خشک به فرم القای حرکت در بدن تغییر نموده است. در دوران اشکانی، تندیس‌ها، طبیعت‌گرا با تناسب درست و آناتومی دقیق‌تر، ساخته شده‌اند در دوران ساسانی پیکره‌ها از حالت ایستایی، کاملاً به‌در آمده و در بدن‌شان حس حرکت، اجرا شده و حیوانات اسطوره‌ای و تلفیقی مانند سیمرغ، شیر، طاووس و سگ بر بدن آن‌ها نقش گردید.

در پاسخ به پرسش دوم باید گفت عناصر حیوانی سیمرغ، پرنده چمروش، شاه پرنندگان، شیر، بز کوهی، شاخ گاوسانان، کبوتر، گاو ماده، گاو نر، دم طاووس، عقاب، ماهی، مار؛ عناصر گیاهی درخت گوکرنه، درخت سشین، روزت یا آذین گل سرخی، نیلوفر، درخت نخل، خوشه انگور، برگ یا گل انار و سنبله گندم و عناصر تزیینی سنجاق، گل سینه، میخی طلسم پازور و الهه‌ها با ترکیب طبیعت؛ نیم تنه فوقانی انسان و تحتانی با شکل امواج آب، انسان-ماهی و انسان-گیاه تصویرسازی شدند. این عناصر نمادین - که در کنار پیکره‌ها و تندیس‌ها، نقش برجسته و مهرها دیده شد- از دل باورهای مردم آن روزگار، بر اساس عقاید آیینی، فکری و عقیدتی برای رفع بلا، گشایش روزی و حاصل‌خیزی محصول به کار رفته است.

منابع:

- احمدی علیایی، سعید و اعظم زاده، صبا (۱۳۹۵). گونه‌شناسی نقش‌مایه «خدای ایستاده بر حیوان» در تمدن‌های آسیای صغیر (هیتی و باستانی بین‌النهرین، سومر، بابل، آشور)، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۱، ۹۱-۱.
- اسلام دوست، مریم؛ شیخی نارانی، هانیه و قنبری باباعباسی، نسترن (۱۳۹۸). بررسی مفرغینه‌های دو محوطه سرخ دم و سنگ تراشان لرستان و نقوش آن‌ها، *پژوهش‌نامه گرافیک و نقاشی*، دوره ۲، شماره ۳، ۷۱-۳.
- اشمیت، اربش فریدریش (۱۳۹۱). *کاوش‌های تپه حصار دامغان*، ترجمه کوروش روستایی، سمنان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان.
- افخمی، بهروز؛ فرج زاده، صبا و حسینی‌نیا، سید مهدی (۱۳۹۵). بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناسی، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۸، شماره ۲، ۲۴۸-۲۲۵.
- افضل‌طوسی، عفت‌السادات (۱۳۹۱). گلیم حافظ نگاره بز کوهی از دوران باستان، *نگره*، شماره ۱۲، ۶۷-۵۵.
- افضل‌طوسی، عفت‌السادات و جلالیان فرد، ناهید (۱۳۹۷). نمادشناسی پرندگان در فرهنگ اسلامی (کتابت مرغ بسم الله)، *پژوهش‌نامه گرافیک و نقاشی*، دوره ۱، شماره ۱، ۲۹-۰۴.
- بهار، مهرداد (۱۳۹۱). *پژوهشی در اساطیر ایران*، چ. نهم، تهران: آگه.
- بهرامی، هلیا (۱۳۸۷). سپندارمذ، جشن باروری در ایران باستان، *علوم سیاسی*، شماره ۱۹۵ و ۱۹۶، ۱۰۷-۱۰۷.
- بهزادی، رقیه (۱۳۸۹). *آریاها و ناآریاها* در چشم‌انداز کهن تاریخ ایران، چ. سوم، تهران: طهوری.
- بهنام، عیسی (۱۳۴۲). مجسمه‌سازی در ایران باستان، *هنر و مردم*، دوره ۱، شماره ۶، ۵-۲.
- بیگون، بهروز (۱۳۹۲). *جشن‌های فراموش شده ایران باستان*، تهران: نوریخ.
- خسروی، لیللا (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی نقش‌مایه‌های نمادین و اساطیری در هنر کلماکره لرستان، *هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، دوره ۲۰، شماره ۲، ۶۳-۶۷.
- دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام (۱۳۸۵). *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*، تهران: دانشگاه الزهرا.
- رامین، ایرج (۱۳۹۰). *پرتوایزدی بانو: جایگاه و مقام زن در ایران باستان*، تهران: سنبله و آیین تربیت.
- ساربانیدی، ویکتور ایوانوویچ (۱۳۹۶). *اسطوره‌های بلخی و مروی باستان بر روی مهرها و تعویذهایشان*، ترجمه سیدرسول سیدین‌بروجنی و تریا الیکای‌دهنوو، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- سامی، علی (۱۳۹۳). *تمدن ساسانی*، چ. سوم، تهران: سمت.
- ستاری، رضا؛ حسن‌پور الاشتی، حسین و حقیقی، مرضیه (۱۳۹۴). نقد اسطوره‌ای و روان‌شناختی جایگاه زن در بانو گشسب‌نامه، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۷، شماره ۱، ۳۷-۰۶.
- شیشه‌گر، آرمان (۱۳۹۴). *آرامگاه دو بانوی عیلامی از خاندان شاه شوتور نهوتنه پسر ایندد دوره عیلام نو*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- طلایی، حسن (۱۳۹۲). *مهر در ایران از آغاز تا صدر اسلام*، تهران: سمت.
- صراف، محمد رحیم (۱۳۷۲). *نقوش برجسته ایلام*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- فیروزمندی، بهمن؛ رضایی، مهدی و جودی، خیرالنساء (۱۳۹۱). روایتی محلی از اسطوره الهه باروری در لرستان، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، شماره ۲، ۴۳-۲۵.
- فیروزنیا، فیروز (۱۳۷۱). *دنیای گمشده عیلام*، تهران: علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- قنبری، لیللا (۱۳۹۳). *فرهنگ و تمدن ایلام باستان*، تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
- کامبخش فرد، سیفالله (۱۳۸۰). *آثار تاریخی ایران*، تهران: تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- کامبخش فرد، سیفالله (۱۳۸۶). *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیای معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق‌گرا*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- کامبخش فرد، سیفالله (۱۳۹۲). *سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نو سنگی تا دوران معاصر*، تهران: ققنوس.
- کر تیس، وستا (۱۳۸۱). *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه عباس مخبر، چ. سوم، تهران: مرکز.
- کارگر، محمدرضا (۱۳۸۰). *ایران باستان نگاهی به گنجینه موزه ملی ایران*، تهران: موزه ملی معاصر.
- کاظم زاده، پروین (۱۳۹۲). *تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری اعتقاد به ایزد بانوان در ایران باستان*، پژوهش‌های ادیبانی، سال اول، شماره ۲، ۴۹-۴۷.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۶). *فرهنگ‌های هنری ایران ما قبل تاریخ، هنر مادی، هنر هخامنشی، هنر پارتی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۸۹). *من هم باستان‌شناس شدم*، ترجمه فیروز دیلمقانی، چ. دوم، تهران: موسسه بنیادی فرهنگ کاشان.
- مجید زاده، یوسف (۱۳۷۰). *تاریخ و تمدن ایلام*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مصباح، بیتا؛ هژبری نوبری، علیرضا و طاووسی، محمود (۱۳۹۲). مطالعه تحلیلی - اسطوره‌شناختی تصاویر سه ایزد بانو ماهی، گیاهان و آب در ایران (۱۵۰۰ تا ۳۲۰۰) قبل از میلاد، *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، دوره ۶، شماره ۲۱، ۷۷-۹۲.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۵۳). شیون در ایران باستان، *هنر و مردم*، دوره ۳۱، شماره ۱۴۶-۱۴۷، ۱۳۶۷ - ملازاده، کاظم (۱۳۹۴).
- *باستان‌شناسی ماد*، چ. دوم، تهران: سمت.
- موسوی جامی، رسول (۱۳۹۶). *نقش برجسته‌های ساسانی*، تهران: سمت.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۸). *حفاری‌های مارلیک (جلد اول)*، چ. اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۸۵). *مروزی بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران*، تهران: سبحان نور.
- نیکنامی، کمال‌الدین؛ قاسمی، رضا و رضائی، رضوان (۱۳۹۳). تحلیل نقش اجتماعی زنان در جوامع سلوکی و اشکانی بر اساس

- مطالعه مهرها و اثر مهرها، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۶، شماره ۳، ۳۷۷-۳۸۹.
- هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
 - هینلز، جان (۱۳۶۸). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه زاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
 - وارنر، رکس (۱۳۹۲). *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، چ. دوم، تهران: هیرمند.
 - وندن برگ، لویی (۱۳۷۹). *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، چ. دوم، تهران: دانشگاه تهران.

URL1. [https://www.clevelandart.org/art/1962.295\(9/5/95\)](https://www.clevelandart.org/art/1962.295(9/5/95))

References:

- Ahmadi Oliaei, S., Azamzadeh, M. (2016). A Typological Study of "Standing God on the Animals" Motif from the Ancient Civilizations of Mesopotamia and Asia Minor (Hittites, Sumer, Babylon and Assyria), *Journal of Archaeological Studies*, 8(1), 1-19. doi: 10.22059/jarcs.2016.59486 (Text in Persian).
- Afkhami, B., Farajzadeh, S., Hosseininia, S. (2016). Representation of Anahita in Archeological Documents, *Journal of Woman in Culture Arts*, 8(2), 225-248. doi: 10.22059/jwica.2016.60316 (Text in Persian).
- Afzaltousi, E. (2012). Rug the Preserver of Wild Goat Figure Since the Ancient Times, *Negareh Journal*, 7(21), 55-67 (Text in Persian).
- Afzaltousi, E.; Jalalian Fard, N. (2019). Symbolism of Birds in Islamic Culture (Birds Book in the Name of God), *Painting Graphic Research*, 1(1), 29-40 (Text in Persian).
- Bahar, M. (2012). *Research in Iranian Mythology*, Tehran: Agah (Text in Persian).
- Bahrami, H. (2008). Sepandarmaz, Fertility Festival in Ancient Iran, *Political Science*, 195 & 196, 107-107 (Text in Persian).
- Behnam, E. (1963). Sculpture in Ancient Iran, *Honar va Mardom*, 1(6), 2-5 (Text in Persian).
- Behzadi, R. (2010). *Aryans and Non-Aryans in the Ancient Perspective of Iranian History*, Tehran: Tahoori (Text in Persian).
- Beigvand, B. (2013). *Forgotten Celebrations of Ancient Iran*, (1st ed.), Tehran: Noorbakhsh (Text in Persian).
- Berghe, L. V. (1944). *Archeologie de L'Iran Ancien*, Translated by Issa Behnam, Tehran: University of Tehran (Text in Persian).
- Curtis, V. (2002). Translated by Abbas Mokhber, *Persian Myths*, Tehran: Markaz (Text in Persian).
- Dadvar, A; Mansouri, E. (2006). *An Introduction to the Myths and Symbols of Iran and India in Antiquity*, (1st ed.), Tehran: Alzahra University (Text in Persian).
- Eslamdoost, M; Sheikhi Narani, H; Ghanbari Babaabbasi, N (2020). Studying the Bronze of Sorkh Dom and Sang Tarashan Regions in Lorestan Province and Their Motifs, *Painting Graphic Research*, 2(3), 4-17 (Text in Persian).
- Firooznia, F. (1992). *The Lost World of Ilam*, (1st ed), Tehran: Elmi va Fahangi (Text in Persian).
- Firuzmandi, B., Rezaei, M., Judi, K. (2012). A Folk narration of "Fertilizing Goddess" Myth in Lorestan, *Journal of Woman in Culture Arts*, 4(2), 25-43. doi: 10.22059/jwica.2012.24752 (Text in Persian).
- Girshman, R. (1997). *Prehistoric Iranian Art Cultures, Median Art, Achaemenid Art, Parthian Art*, Translated by Yaghoub Azhand, (1st ed.), Tehran: Mola (Text in Persian).
- Girshman, T. (2010). *Archeologue malgre moi; vie quotidienne d'une mission archeologique en Iran, 1970.*, Translated by Firooz Dilamaghati, Tehran: Kashan Cultural Institute (Text in Persian).
- Ghanbari, L. (2014). *Culture and Civilization of Ancient Ilam*, (1st ed.), Tehran: Khaneh Tarikh va Tasvir-e Abrishami (Text in Persian).
- Hall, J. (1917). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art*, Translated by Roghayeh Behzadi, Tehran: Farhange Moaser (Text in Persian).
- Hinnells, J. (1941). *Persian Mythology*, Translated by Zhaleh Amoozgar and Ahmad Tafazoli, Tehran: Cheshmeh (Text in Persian).
- Kambakhsh Fard, S. (2001). *Historical Monuments of Iran*, Tehran: Cooperative Publishing Institute of the Cultural Heritage Organization (Text in Persian).
- Kambakhsh Fard, S. (2007). *Archaeological excavations and Researches and Restoration of the Architecture of Anahita Kangavar and Taq Gara Temple*, (1st ed.), Tehran: Archaeological Research Institute (Text in Persian).
- Kambakhsh Fard, S. (2013). *Pottery in Iran from the Neolithic Age to the Contemporary Era*, First Edition, Tehran: Qoqnoos (Text in Persian).

- Kargar, M. (2001). Ancient Iran, A Look at the Treasures of the National Museum of Iran, Tehran: Contemporary National Museum (Text in Persian).
- Khosravi, L. (2015). Analytical Research of Symbolic and Mythological Motifs in Lorestan Kalmakarreh Art, *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 20(2), 63-76. doi: 10.22059/jfava.2015.55510 (Text in Persian).
- Kazem Zade, P. (2013). An Analysis on Reasons of Believing in the Goddesses in Ancient Iran, *Religious Research*, 1(2), 49-74 (Text in Persian).
- Molazadeh, K. (2015). *Medes Archeology*, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Mousavi Jami, R. (2017). *Sassanid Reliefs*, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Masoumi, Gh. (1974). Lament in Ancient Iran, *Honar va Mardom*, 13(146-147), 63-71 (Text in Persian).
- Mesbah, B, Hejbari Nobari, A, Tavousi, M. (2013). Analytical-Mythological Study of Images of Three Goddesses of Fish, Plants and Water in Iran (1500 to 3200 BC), *Journal of Visual and Applied Arts*, 6(12), 77-92 (Text in Persian).
- Majidzadeh, Y. (1991). *History and Civilization of Ilam*, (1st ed.), Tehran, University Publishing Center (Text in Persian).
- Negahban, E. (1999). *Marlik Excavations*, (Vol. 1), Tehran: Cultural Heritage Organization (Text in Persian).
- Negahban, E. (2006). *A Review of Fifty Years of Iranian Archeology*, Tehran: Sobhan Noor (Text in Persian).
- Niknami, K., Ghasemi, R., Rezaee, R. (2014). Analysis of the role of Women in Seleucid and Parthian Societies based on Seals and Seal Impressions. *Journal of Woman in Culture Arts*, 6(3), 377-389. doi: 10.22059/jwica.2014.54517 (Text in Persian).
- Ramtin, I. (2011). Gods Light of Lady, The Status of Women in Ancient Iran, (1st ed.), Tehran: Sonboleh va Aeen Tarbiat (Text in Persian).
- Sami, A. (2014). *Sassanid Civilization*, (3rd ed.), Tehran: Samt (Text in Persian).
- Sarianidi, V. (2017). *Myths of Ancient Bactria and Margiana on Its Seals and Amulets*, Translated by Seyyed Rasool Seyyin Borujeni, Soraya Alikaydehno, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Research Institute (Text in Persian).
- Sarraf, M. (1993), *Ilam Reliefs*, Tehran: Jahād-e Dāneshgāhi (Text in Persian).
- Satari, R., Hasanpour Alashti, H., Haqiqi, M. (2015). A Mythical and Psychological Critique of Status of Women in Banugoshasb-Nameh, *Journal of Woman in Culture Arts*, 7(1), 37-60. doi: 10.22059/jwica.2015.56776 (Text in Persian).
- Schmidt, E. F.(2012). *Excavations at Tepe Hissar, Damghan, Semnan*: General Department of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Semnan Province (Text in Persian).
- Shishegar, A. (2015). *Tomb of two Elamite Women from the Family of Shah Shotur Nehonte, Son of Indd of the New Elam Period*, (1st ed.), Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Research Institute (Text in Persian).
- Talaei, H. (2013). *Seal in Iran from the Beginning to the Beginning of Islam*, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Warner, R. (2013). *Encyclopedia of World Mythology*, Translated by Abolghasem Ismailpour, Tehran: Hirmand (Text in Persian).
- <https://www.britishmuseum.org/> (retrieved 9/9/90)

Analysis of the Visual Structure of the Fertility Goddess and Its Related Themes in Ancient Iran

Abstract:

The Mother Goddess has been remained as a keepsake (monument) from ancient Iran in various forms. The type of expression and on the other hand, the accompanying symbolic forms throughout history, has made it worthy of reflection and thought. Birth giving, fertility, land fertility and blessing (Baraka) are the most important and obvious issues related to the Mother Goddess (Izadbanoan) of ancient Iran. In fact, before understanding the way of fertilizing by human, fertility has been considered a supernatural force. Maternalism has existed in many prehistoric times, and women have enjoyed a powerful position in both inferior and superior societies. In this regard and the interpretation of the previous man from the environment has shaped his view and thought about life and metaphysical factors have played a significant role in his life. The purpose of this article is to formally and conceptually study the statues of the goddess of fertility in ancient Iran; therefore, what is the history of evolution of the structure of the fertility goddess form in ancient Iran? What are the symbols formed around the statues of the goddess of fertility? The current research is descriptive and analytical. Information and data are collected through museums, libraries, and articles, and the statistical community is purposefully selected and with maximum differences. Human beings have left traces and remnants during their life on earth for thousands of years. These works, in terms of time and location, represent and reflect his status and quality of life, in specific stages and in certain areas. Sometimes in one community and region, it has evolved and, on the contrary, in another era, it has had a slow evolution. The total of all these fluctuations and transformations has changed according to the formation of civilizations, which have generally evolved over the course of human societies development over time, leaving tangible effects and evidence for this theory. In this article, the statues of the mother goddess found in: Sarab hill of Kermanshah from Neolithic period, Shush hills, Fences b and c from the copper and stone period (4500 to 3000 BC), bronze period (3000 to 1500 BC), including the hills of Moshahalan Ismailabad, Marlik, Kangavar Temple, Inshushinak Temple of Shush, Nahavand Treasure, Shahdad and Yahya Hill of Kerman, Choghaznabil, Iron Age (1500 to 800 BC) Choghamish Hill of Khuzestan, Shah Tappeh, Choghaznabil and Lorestan



The present paper is extracted from the M.A. Thesis by Fahimeh Asgharian Bafandeh entitled “Analysis of the Visual and Semantic Structure of the Fertility Goddess and Its Related Themes in Ancient Iran”.

Fahimeh Asgharian Bafandeh

Master of Painting, Ferdows Higher Education Institute, Mashhad, Iran.
fahimeh4sgharian@gmail.com

Alireza Sheikhi

Assistant Professor of Handicrafts Department Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran. Corresponding Author.
a.sheikhi@art.ac.ir

Date Received: 2020-08-25

Date Accepted: 2020-10-30

1-DOI: 10.22051/pgr.2020.32844.1078

province, from (1000 BC to Maad) The hills of Lorestan, Marlik, Amlash Gilan, Hajiabad Fars, Shousha, Meganic tombs of Lorestan, during the Median period of Noshijan hill, Seleucid and Parthian Apadana and the areas of Shoush and Hajiabad, Bostan Arch, Kelardasht and Chal Tarkhan Rey were considered and studied.

In each period, the form of the mother goddess and its associated symbols made some changes according to the government; sometimes it turned into large statues and sometimes into small ones. In this regard, the form of the mother goddess has been visually analyzed. The results show that the form of the mother goddess in the Neolithic, copper and stone eras was abstract and geometric, and the greatest emphasis was focused on the reproductive organs. From the Bronze Age, it tended towards naturalism, and from 2500 BC to 2000 BC, it reached realism with exaggeration and unfitness in body shape, and decorations such as necklaces, bracelets and leg bracelets were added. From the Iron Age onwards, statues were combined with more proportionate limbs and symbolic shapes. From 500 BC, the statues changed from static to moving in the body. They were formed in Parthian period by naturalism with details and also in Sassanid period with a combination of myths and symbols that were formed by combining several different animals such as Simorgh, lion, peacock and dog on the body. For the people of ancient Iran, along with the goddesses of fertility, not only the goddesses and Izadbanoes who were a sign of fertility for them were respected but also animals, plants, decorative elements and mythical creatures that played a role in the formation and reproduction of fertility. This assumption can also be made that since these elements, from a mythological or symbolic point of view, meant the presence of blessing and fertility; they took fertility from the goddesses and gave it to the people of Iran. In fact, it can be said that the belief in some creatures and plants is due to metaphysical beliefs in primitive religions and is due to the dependence of human life on them and has led to a kind of Totemism. In a way, the goddesses and myths are the interpretation of the world and nature of the previous human beings of this land, and in a semantic sense, they also cover belief in the direction of life. Simorgh or Sin Mero, Chamrush, lion, goat, cow, pigeon, peacock, eagle, fish and snake from animals, rosewood, rosette, grape clusters, palms, wheat,

pomegranate and lotus from plants, water and moon from natural elements, brooches among decorative items can be enumerated in this category.

Keywords: Ancient Iran, Goddess of Fertility, Visual Structure, Meaning and Symbol.